

## تحلیلی از دیدگاه‌های فلسفی...



انتشارات امیرکبیر  
۱۳۶۹

کتاب تحلیلی از دیدگاه‌های فلسفی فیزیکدانان معاصر در ۸ فصل نگاشته شده است. فصل اول کتاب درباره انقلاب کوانتومی و آثار آن مثل کنار گذاشتن هستی‌شناختی، طرد تصویرپذیری حوادث فیزیکی، طرد موجبیت، طرد تحویل‌پذیری سیستم‌های کوانتومی و همچنین حاکمیت پوزیتیویسم و ایده‌آلیسم بر تفکر فیزیکدانان است. گلشنی در چند فصل بعد به مبانی فلسفی تفکر بور و اینشتین می‌پردازد.

## گزارش پژوهش ملی ایران و جهانی شدن



پژوهشگاه علوم  
انسانی و مطالعات  
فرهنگی  
۱۳۸۷

این پژوهش از چهار بخش عمده تشکیل شده است: بخش اول به بررسی ماهیت، ابعاد و پیامدهای جهانی شدن اختصاص دارد. بخش دوم «ایران و جهانی شدن» نام دارد. بخش سوم به مباحث راهبردی اختصاص دارد. در بخش چهارم، سیاست‌هایی در مواجهه با تهدیدها و فرصت‌های ناشی از جهانی شدن، به دست‌اندرکاران جمهوری اسلامی ایران پیشنهاد شده است.

## علم، دین و فلسفه



انتشارات کانون  
اندیشه جوان  
۱۳۹۳

این کتاب حاصل گفت‌وگو و تعدادی از دانشجویان دوره کارشناسی ارشد فلسفه علم دانشگاه صنعتی شریف با دکتر مهدی گلشنی درباره علم و فلسفه، فلسفه علم، علم و دین، تکنولوژی، جهانی شدن و وضعیت کنونی علم در کشور است و اکنون به صورت این مجموعه درآمده است. گفت‌وگوهایی در مورد بعضی مسائل مربوط به توسعه علم و فناوری در ایران معاصر نیز در آن آمده است.

کشور اشاره کرده و اصولی را برای هر یک از موارد پنج‌گانه برشمرده است. ایشان این موارد پنج‌گانه را با استفاده از نظرات گوناگونی که از صاحب‌نظران مختلف دریافت کرده، سامان داده است. بر این مبنا، دکتر گلشنی سیاست‌هایی را برای جمهوری اسلامی ایران به منظور مواجهه با جهانی شدن در عرصه‌های فرهنگی، عقیدتی و سیاسی پیشنهاد می‌کند. سیاست‌های مقابله با تهدیدهای اجتماعی و فرهنگی (متناظر و متناسب با این تهدیدها) عبارتند از: ۱. مقابله با تهاجم فرهنگی، ۲. مقابله با بحران هویت و از خودبیگانگی، ۳. تقویت آداب و سنت‌های بومی، ۴. تقویت زبان و ادبیات فارسی، ۵. مقابله فرهنگی با نفوذ آثار لیبرالیسم و تقویت جایگاه خانواده و مقابله فرهنگی با گسست نسل‌ها، ۶. مقابله فرهنگی با انحصارگرایی در بازار صنایع فرهنگی و ۷. ایجاد تعادل در گسترش فضای مجازی.

اما در یک جمع‌بندی می‌توان گفت:

۱ دیدگاه دکتر گلشنی درباره جهانی شدن، تحت تاثیر نگاه منتقدانه او به مدرنیته یا تجدد غربی و از جمله علم سکولار مولود در آن است.

۲ دکتر گلشنی پدیده جهانی شدن را به دو بخش: پروسه (فرآیند طبیعی جهانی شدن و پروژه (غیرطبیعی و سلطه‌گرانه) جهانی‌سازی تقسیم می‌کند.

۳ از نظر او فرآیند طبیعی جهانی شدن اگرچه دارای فرصت‌هایی برای همه کشورها از جمله ایران است، اما با توجه به تفاوت جهان‌بینی (بهتر است بگوییم

جهان‌نگری) مدرنیته با جهان‌نگری دینی دارای تهدیدهای فرهنگی (فکری-عقیدتی و...) برای کشورهای اسلامی به ویژه جمهوری اسلامی ایران است.

۴ به باور گلشنی، جهانی‌سازی نشان از سلطه قدرت‌های بزرگ غربی به ویژه آمریکا بر پروسه جهانی شدن دارد که تهدیدهای جدی برای جمهوری اسلامی ایران دربردارد. جهانی‌سازی به دنبال آن است که اندک فرصت جهانی شدن را نیز از کشورهای اسلامی به ویژه جمهوری اسلامی ایران بگیرد.

۵ به اعتقاد وی، برای مقابله با تهدیدهای جهانی شدن و بهره‌برداری از فرصت‌های آن، ضمن شناخت همه‌جانبه این پدیده و رصد تحولات آن، تنها راه بقا، مواجهه فعال با جهانی شدن در قالب تعیین سیاست‌های روشن و به دنبال آن برنامه‌ریزی و عزم ملی برای اجرای آن سیاست‌ها و برنامه‌هاست.

اگر این پنج مورد را به عنوان اصول اساسی دیدگاه دکتر گلشنی درباره پدیده جهانی شدن بپذیریم، می‌توان با تمرکز بر آنها علل و دلایل گرایش او به این دیدگاه‌ها را بررسی کرد. دکتر گلشنی پدیده جهانی شدن را برای تئوری‌های مندرج در کتاب‌ها و مقالات، در عینیت پیاده شده در برخی کشورهای جهان سوم جست‌وجو می‌کند. تجربه مالزی و مواضع «مهاویر محمد» در شناخت و نگرش وی به این پدیده اهمیت تعیین‌کننده دارد. حتی در میان صاحب‌نظران جهانی شدن، تمایل او به نظرانی که حاوی تجربه مدیریتی و اجرایی است مانند نظرات «جوزف استیگلیتز» - که زمانی معاون بانک جهانی بوده است - بیشتر و مؤثرتر است. فارغ از پذیرش یا عدم پذیرش دیدگاه دکتر گلشنی درباره جهانی شدن، برخی از سیاست‌های پیشنهادی برای مواجهه با آن به ویژه سیاست‌های راهبردی مانند تقویت توان علمی، فرهنگی و اقتصادی و مدیریتی و تقویت ظرفیت‌های سیاسی و امنیتی کشور، از جمله سیاست‌هایی است که توجه به آنها مهم است.



می‌کند. بنابراین از نظر او اساس جهانی شدن نیز به رغم ایجاد فرصت‌هایی برای کشورهای اسلامی، برای این دسته از کشورها به دلیل تفاوت جهان‌بینی‌ها خالی از تهدید نیست. در واقع از نظر ایشان جهان‌بینی سکولار که از عصر نوزایی (رنسانس) بر مجموعه تحولات علمی و فناوریانه غرب سایه افکنده به جهانی شدن نیز سرایت کرده است. واضح است که این نگاه به پدیده جهانی شدن متأثر از نگاه دکتر گلشنی به علم جدید است. او معتقد است که «علم امروز یک هویت خنثی فارغ از ارزش‌ها و پیش‌فرض‌های متافیزیکی ندارد، از این رو اخذ آن در صورتی که به این باورهای ارزشی و فلسفی توجه شایسته نشود، در بهترین حالت نتیجه‌ای جز آنچه در غرب به دست آمده، دربر نخواهد داشت.

در این صورت جامعه در عمل به توفیقات شگرفی نائل خواهد شد، ولی در ابعاد اخلاقی و اجتماعی با مشکلاتی نظیر آنچه جوامع فعلی غربی با آنها روبه‌روست مواجه می‌شود. «بنابر این نگاه، جهانی شدن را باید مصداق ساخت «نظریه جهان‌شمول با استفاده از مفروضات متافیزیکی» دانست که بنیاد نظریه دکتر گلشنی را در تفاوت میان علم سکولار و علم دینی تشکیل می‌دهد. از نظر دکتر گلشنی جهانی شدن اگرچه دارای ابعاد اقتصادی، سیاسی و فرهنگی است و در نمود آن بعد اقتصادی غلبه دارد، ولی بود آن بر مبنای بعد فرهنگی است و لذا نباید از این جنبه غافل بود و آنچه برای جمهوری اسلامی ایران فی‌نفسه خطرناک است، آن است که سیاست‌گذاران و مسئولان به ابعاد اقتصادی یا سیاسی

جهانی شدن روی خوش نشان دهند یا حساس باشند، ولی از جنبه‌های فرهنگی آن غفلت ورزند. در جهانی شدن فرهنگی، آنچه بیش از همه مورد تهدید واقع می‌شود «هویت ملی» کشورهاست. دکتر گلشنی با اتخاذ رویکرد «تحول‌گرا» در هویت، معتقد است که هویت ایرانی از زمانی که بتوان ردپایی در تاریخ از ایران و ایرانی یافت، قابل شناسایی و تحلیل است. در این رویکرد، ایده‌آل‌گرایی درباره هویت در موقعیت کنونی، کارآمد نبوده و گرایش به گوهر هویت ایرانی، بهترین راه برای وارد کردن تعداد بیشتری از ایرانیان در قلمروی هویت ایرانی تلقی می‌شود. به این ترتیب عناصر اصلی هویت ایرانی از دیدگاه دکتر گلشنی عبارت است از:

۱. فرهنگ (شامل همه جنبه‌های نمادی، سازمانی، مادی و معرفتی آن)، ۲. نژاد ایرانی، ۳. سرزمین جغرافیایی ایران. البته در اینجا نیز فرهنگ عنصر اصلی و قوام‌بخش هویت (ایرانی) است.

با این نگاه و دیدگاه درباره جهانی شدن، دکتر گلشنی نقاط قوت، ضعف، فرصت‌ها و تهدیدهایی را در مواجهه با جهانی شدن برای جمهوری اسلامی ایران در نظر می‌گیرد. شاید بتوان گفت که از نظر او مهم‌ترین نقطه قوت ما در مواجهه فرهنگی با جهانی شدن، نفوذ ایمان، فرهنگ و اندیشه دینی در کشور و برخورداری از پیشینه تمدنی و فرهنگی آن است و مهم‌ترین نقطه ضعف ما در این مواجهه ضعف بنیاد علمی و فناوریانه ماست. نگرش کلی وی به جهانی شدن نه نفی کامل و نه پذیرش و تسلیم، بلکه «نگرش متوازن» است. در نگرش متوازن، وی به مواجهه‌ای تحلیلی-انتقادی و حرکتی متعادل و منعطف در برابر جهانی شدن می‌اندیشد و به موضعی فعال و نه منفعل در برابر تهدیدها و فرصت‌های آن توجه دارد. دکتر گلشنی در خصوص سیاست‌های راهبردی برای جمهوری اسلامی ایران در مواجهه با جهانی شدن، به موارد پنج‌گانه: ارتقای توان علمی، تقویت توان فرهنگی، ارتقای توان اقتصادی، تقویت ظرفیت‌های سیاسی و امنیتی و تقویت توان مدیریتی

دکتر گلشنی در ابراز نظر خویش و نیز در رد یا قبول نظر دیگران صراحت داشت. هر کجا چیزی را نمی‌پذیرفت، دلایل مخالفتش را به راحتی و شفاف، بازگو می‌کرد و برعکس هر گاه چیزی را ولو برخلاف نظر اولیه خویش درست تشخیص می‌داد، می‌پذیرفت و از آن دفاع می‌کرد